

## موفقیت را چگونه معنا می کنید؟

به مفهوم واقعی "موفقیت" فکر کرده اید؟ از نظر شما چه زمانی به موفقیت دست پیدا کرده اید؟ ایده آل را برای خود چگونه تعریف کرده اید؟



«مطمئن باشید اگر در هر برهه از زندگی تان تحت تاثیر شرایط بیرونی قرار نگیرید ( مثلا به حرف فامیل، فشار همسالان، آرزوی والدین، سخره ی اجتماع یا حتی چارچوب های ذهنی خودمان) و سعی کنید انتخاب هایی داشته باشید که از آن شادی برای تان تولید شود، به طور شگرفی قادر به انجام هر کاری خواهید شد. فقط قبل از آن یادآور شوم که اهداف تان را "قابل دسترس، منطقی، مشخص و سودمند" تعیین کنید تا بیراهه نروید و "همین حالا" از آن "لذت" ببرید.»

به گزارش ایسنا، عصر ایران نوشت: «به مفهوم واقعی "موفقیت" فکر کرده اید؟ از نظر شما چه زمانی به موفقیت دست پیدا کرده اید؟ ایده آل را برای خود چگونه تعریف کرده اید؟

ممکن است کلاس اول ابتدایی باشید و موفقیت را در نمره بیست دیکته ی تان ببینید.

ممکن است در حال گذراندن آخرین سال های دبیرستان باشید و رتبه ی کنکور موفقیت برایتان حساب بیاید.

ممکن است گذراندن دوره ی دو ساله ی سربازی موفقیت بعدی تان باشد یا گرفتن مدرک لیسانس.

ممکن است پیدا کردن شغلی با درآمد بالا موفقیت تان باشد.

یا شاید حتی فکر کنید اگر مخترع باشید موفق ترین انسان کره ی زمین هستید.

واقعیت این است که تمام این اهداف شاید بتوانند به صورت "مقطعی" موفقیت محسوب شوند و حالتان را خوب کنند اما اکنون نمره ی دبستان تان اکنون به کل از یادتان رفته، اهمیتی ندارد که کنکورتان را چطور دادید، سربازی را چند ماه اضافه خوردید یا در دوره ی لیسانس چند بار کنفرانس دادید، حتی به نظر من اختراعات هم موفقیت پایداری نیست؛ چرا که بعد از مدتی نیازی جدید در شما شکل خواهد گرفت؛ ما انسان ها سیری ناپذیریم!

شاید بگویید بسیار خب! حالا که به تخریب تک تک موفقیت هایمان پرداختی پس آن را چگونه می خواهی توصیف کنی؟

موفقیت را من در "شادی" خلاصه می کنم و در لذت. اشتباه نکنید نه هر لذتی! ما زمانی می توانیم موفق باشیم که از آن چه انجام می دهیم (حتی کارهای روزانه ی خود) لذت ببریم و با عشق به آن بپردازیم. این گونه است که حتی رنج هایش هم برایمان شیرین خواهد بود؛ چرا که از آن لذت می بریم. روی کلمه لذت بسیار تاکید دارم چون ما بسیاری از کارها را انگیزه انجام می دهیم، حوصله نداریم و بهانه جوییم.

فرض کنید شغلی پردرآمد تعریف من از موفقیت است و نیز فرض می کنیم ما آن شغل پردرآمد را به دست آوردیم اما لذتی از کارمان نمی بریم، در حقیقت کارمان خوشحال مان نمی کند! غمگین است! ما آن کار را فرسوده وار انجام می دهیم و بیشتر و بیشتر تحت فشار قرار می گیریم تا پول بیشتری به دست بیاوریم ولی در عوض از سرمایه وجودمان مایه می گذاریم.

واقعیت این است که ما بعد از مدتی انگیزه مان را برای آن پول از دست خواهیم داد و حتی به هدف مالی مان هم آن گونه که باید نمی رسیم ... در نهایت ردی که برای پروژه جاودانگی مان طرح شده بود نیز نافرجام خواهد ماند! و این غمگین تر است.

مطمئن باشید اگر در هر برهه از زندگی تان تحت تاثیر شرایط بیرونی قرار نگیرید ( مثلا به حرف فامیل، فشار همسالان، آرزوی والدین، سخره ی اجتماع یا حتی چارچوب های ذهنی خودمان) و سعی کنید انتخاب هایی داشته باشید که از آن شادی برای تان تولید شود، به طور شگرفی قادر به انجام هر کاری خواهید شد. فقط قبل از آن یادآور شوم که اهداف

تان را "قابل دسترس، منطقی، مشخص و سودمند" تعیین کنید تا بپراهِه نروید و "همین حالا" از آن "لذت" ببرید.»